حماسه های بزرگ هند

انصاری، شریف

دورهء حماسی هند از سدهء ششم پیش از میلاد آغاز گردیده و تا قرن دوم میلادی ادامه یافته‏ و حوادث بسیار مهمی در آن دوره روی داده است.

هنگام مهاجرت اقوام هند و اروپائی به شبه قاره گروهی از طوایف مهاجم در مرکز هند یعنی در نواحی دهلی استقرار یافتند و آن ناحیه را کشور میانه (Madhyadesa) خواندند پاره‏ای دیگر از این طوایف به شرق و غرب و جنوب شبه قاره هند راه یافتند و در آنجا متوطن‏ شدند آئین پاک و خالص برهمنی که در قلمرو طبقه برهمنان بود،در کشور میانه نشو و نما کرد، درحالیکه خارج از این نظام برهمنی،خاصه میان طبقه(کشاتریا)یعنی سپاهیان و سلحشوران‏ که در مناطق دیگر هند مستقر شده بودند،پیامبران،متفکران و حکمای بزرگی برخاستند که ادبیات سرشاری در زمینه‏های گوناگون فلسفه و عرفان پیراستند.دین بود او کیش«جین» در میان طبقه«کشاتریا»بوجود آمد.وداها«براهماناها»و اوپا نیشادها که مقدس‏ترین‏ آثار کیش برهمنی محسوب می‏شد فقط در دسترس طبقه ممتاز برهمنان بود.حتی کشاتریاها- نیز از استفاضهء آن محروم بودند-دیگر اینکه مبانی صرفا«حکمی»اوپانیشادها عالیتر از آن‏ بود که مقبول مذاق عوام الناس قرار گیرد.بموازات آثار مقدس برهمنی،ادبیات دیگری در شرف ترویج و تکامل بود که در دسترس همه قرار داشت و تمامی طبقات،اعم از سپاهیان و پیشه‏وران و بازرگانان می‏توانستند از آن استفاده کنند و یا در تکمیل و ترویج آن نقشی را عهده‏دار باشند.این ادبیات عامی در حاشیهء نظام برهمنی رشد میکرد،سرانجام به قالب‏ حماسهء بزرگ«مهابهاراتا» (Mahabharata) درآمد چونانکه این حماسه را میتوان‏ دائرة المعارف کلیهء معتقدات آن روزگار بشمار آورد.بموازات حماسه بزرگ،یک سلسله‏ آثار اساطیری نیز پدید آمد که به پوراناها (purana) معروف است و در آن جمله‏ افسانه‏های کهن و عقاید و آراء فلسفی و جهانشناسی منعکس شده است،در یان دورهء باروز فلسفه‏ هندی سه جریان فکری پدید آمده بودند که عبارتن از:

1-ادیان مستقلی مثل دین بود اوجین که بدون توجه به سندیت آسمانی«وداها» و میراث کهن«اوپا نیشادها»طریق آزاد و بی‏تکلفی را در دسترس همگان می‏گذاشتند.آئین جاروکا (Carvaka) که معتقد به اصالت ماده بود و کتب آسمانی و مبدأ و معاد را نیز انکار می‏کرد.

2-ظهور آئین واسود و اکگرایشنا (Vasudevakrsla) و بها گاواتا Bhagavata که مبحث یکتاپرستی (Ckanatindhara) و طریق محبت و عشق (bhakti) را عرضه میداشت.این آئین اخیر در سدهء دوم پیش از میلاد گسترش کامل یافته بود و احتمال‏ دارد که تاریخ پیدایش آن ما قبل بودائی باشد.مهمترین اثر ارجمند این مکتب،همان حماسهء بزرگ یعنی مهابار اوتا و علی الخصوص«بها گاواتا گینا»است.آئین«بها گاواتا»منجر به مذهب‏ ویشنوی (Visnavisn) گردید.

فرقه دیگری بنام پاشوپاتا (pasupata) که شیوا (Siva) را می‏پرستدن در همین‏ زمان ظهور یافت که بعدا بصورت مذهب شیوایی (Saivism) درآمد.

3-این دورهء شگفت‏انگیز فلسفهء هند را به آزمایشگاه بزرگ فلسفی تشبیه میکنند. زیرا کلیهء عقاید و آراء فلسفی،حکمی،جهانشناسی،منطقی،و روشهای استدلالی و جدلی و فنون و آداب ریاضت و شیوهء تعقل و مناظره،در این عهد موجود بوده‏اند.تخم این علوم نظری‏ بتدریج رشد کرد،ریشه دوانید،صورت قاطعی یافت و در دورهء«سوتراها»بصورت شش‏ مکتب فلسفی برهمنی نظام یافت و بیشتر مبانی این رشته تفکرات در حماسهء بزرگ مذکور است‏ و چون امتیاز این دروهء حاصلخیز نبوغ هندی،ظهور حماسهء بزرگ بوده است ازاین‏رو آنرا دورهء حماسی نامیدند.

در دورهء حماسی اتفاقات عمده و شگرفی در سرزمین هند روی داد-آئین برهمنی کلیه‏ شئون مذهبی و دینی راقبضه کرد و سازمان دینی خود را در سطح اجتماعی بصورت نظام طبقاتی‏ منعکس ساخت و بدین نحو شالودهء سازمان استواری را پی‏ریزی کرد که به کلیه امور معنوی‏ آن سرزمین تسلط داشت و این پدیده‏های معنوی عبارت بودند از:آئین بودائی،جین، ویشنوی،شیوائی و این رشتهء اعتقادات اخیر که در ذهن عوام نقش بسته بود و از قشرهای‏ پائین اجتماع ظاهر میگردید،امکان دارد بقایای تمدن بومی هند بوده باشد.

سرانجام این سلسلهء باستثنای کیش بودایی و جین در حماسهء بزرگ مهاباراتا که آئینه تمام‏نما و دائرة المعارف جمله معتقدات موجود در آن عصر بوده است و عنوان دورهء حماسی مشتق از همان است منعکس گردید.آثار بدیع دیگری نیز که در آن هنگام در شرف‏ وقوع و تدوین بوده است پوراناها (pusanas) است که یکی از مهمترین مآخذ تحقیقات‏ اساطیری است.

در دورهء حماسی شالودهء کلیه مکاتبی فلسفی هندی ریخته شد و فقط درد دورهء سوتراها است‏ که این مکتب‏ها بصورت شش مکتب متشکل ظاهر گردیدند.

در دور دست‏ها باغ مصفا و باشکوهی با کاخهای افراشته دیده میشد که حدس زد همان‏ بهشت موعود است.

افتادن و خیزان بباغ نزدیک شد و خواست وارد شود،نگهبان جلوگیری کرده پروانه‏ ورودخواست.آن شخص اظهار کرد که قصد توقف و استفاده از مواهب آنجا را ندارد و اجازه میخواهد که تنها گشت مختصری از آن جلوها زده خارج شود.نگهبان ممانعت نمود. بالاخره باخواهش و تمنا یا بهر تمهید دیگری که از موجود دو پا ساخته است نگهبان ساده‏دل‏ را راضی کرده بفردوس عدن وارد شد.

در صفه یکی از کاخ‏ها یک شخصیت روحانی را دید که با تبختر بر بالش‏های پرقو تکیه‏ زده مشغول قلیان کشیده است.از آنجا گذشت و بسیر وسیاحت پرداخت.هوای فرح‏انگیز عطر ملایم گل‏ها و ترنم گوش‏نواز مرغان بهشتی چنان سرمستش میکرد که کم مانده بود دامن از دست بدهد.

کنار جوی شیر و عسل محترمین و محترمات را دید که با حور و غلمان به راز و نیاز سرگرم‏ و از دنیا و مافیها غافلند.

قصری بسیار مجلل و خیره‏کننده از دور بنظر میرسید که تماشاگر کنجکاو را بخود می‏کشید،نزدیکتر رفت و با کمال شگفتی مشاهده کرد که گرگی در ایوان کاخ جلوس فرموده‏ است.از این منظره تعجب کرد و انگشت حیرت بداندان گرفت.

گرگ بزبان آمد و بفارسی سلیس علت تعجب را از او سئوال کرد.آن شخص گفت: -آخر گرگ را در بهشت چکار؟و تو چگونه بدینجا راه یافته‏ای؟گرگ پاسخ داد:-مگر نمیدانی‏ من در دنیای شما چه کرده‏ام که این مقام را بپاداش گرفته‏ام؟و چون وی اظهار بی‏اطلاعی‏ کرد گرگ گفت که در دنیای آدم‏ها بچه یک گمرک‏چی را خورده است!

از آقای صدقیانی پرسیدیم:-هرگاه خود گمرک‏چی را میخورد بکجا میرسید؟

و جناب صدقیانی لب بدندان گزیده پاسخ داد:-آن را دیگر از من نپرسید!...

در پایان دورهء حماسی مطالب مختلف مکتبهای فلسفی آنچنان بسط و گسترش یافته بود که ضروری شد رئوس مطالب را بنحوی از انحاء در اذهان مردم محفوظ بدارند و نیز به افکار و آرائی که پراکنده و پریشان در هر سود رشرف تکامل بود نظام بخشند.دانستن اینکه کدام یک‏ ازین مکتبها مؤخر و کدام یک مقدم است کاریست بسیار دشوار.بهرحال شش مکتبی که در این دوره آثارشان بصورت سوترا نگاشته شده بود عبارتند از نیایا (nyaya) ،وی شیشکا (Visesika) ،سانکیها (Sankhya) ،یوگا (Yoga) ،می مانسا (Mimansa) ، و دانتا (Vcdanta) ،